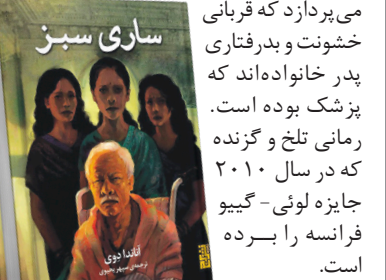


«خانه پیش از تاریکی» چهارمین رمان ژانر معمایی رایلی ساجر است که با ترجمه ساره خسروی از سوی نشر آ موت، منتشر شده. این کتاب، داستان مگی هولت دختری است که ۲۵ سال پیش زمانی که فقط ۵سال داشت با پدر و مادرش به سرای بانبری نقل مکان کرد. اتفاقاتی که در این عمارت ویکتوریایی که در جنگل‌های ورمانت واقع بود، به وقوع پیوست، این خانواده را بر آن داشت که پس از تنها ۲۰ روز مجبور به فرار از آن خانه شوند. طولی نکشید که پدر مگی کتابی به نام خانه وحشت منتشر کرد و در آن از وقایعی مرموز و ماوراءطبیعی که در آن خانه برایشان رخ داد سخن گفت. مگی که از خاطرات پنج سالگی‌اش به یاد ندارد. از طرفی هم حرف‌های پدرش در کتاب را دروغ می‌انگارد چون اعتقادی به مسائل ماوراءالطبیعه ندارد. او بارها و بارها از والدینش خواسته تا حقیقت را به او بگویند اما جواب قانع کننده‌ای نگرفته. حالا که پدرش فوت کرده و او وارث سرای بانبری شده، در سر دارد تا بعد از ۲۵سال به آنجا برگردد تا ضمن تعمیر خانه و آماده‌سازی‌اش برای فروش، دلیل اصلی فرار خانواده‌اش از آن خانه را کشف کند. او که اینک یک طراح داخلی است اعتقاد دارد که هر خانه داستانی برای گفتن و رازی برای فاش کردن دارد و از این رو بر آن است که راز سرای بانبری را برمال سازد. اما شرایط آن گونه که انتظارش را داشت پیش نمی‌رود. آیا سرای بانبری واقعاً خانه ارواح است یا رازهای با مراتب خطرناک‌تری درون دیوارهای آن خانه پنهان است؟ «رایلی ساجر» نام مستعار تاد ریتر، نویسنده پرفروش نیویورک تایمز در ژانر معمایی است که پیش از آن که به یک نویسنده تمام‌وقت تبدیل شود روزنامه‌نگار، سردبیر و طراح گرافیکی بود. او تاکنون شش رمان به نگارش در آورده که اولین‌شان آخرین دختران در ۳۰کشور مختلف به چاپ رسیده است و از رمان‌های پرفروش جهانی محسوب می‌شود. از دیگر کتاب‌های این نویسنده آمریکایی می‌شود به آخرین باری که دروغ گفتم، همه درها را



ساری سبز

آناندا دوی در رمان «ساری سبز» که با ترجمه سپهر حیوی از سوی نشر برج به بازار کتاب آمده‌است، از خلال واگویی‌های درونی راوی، خواننده‌اش را به تماشای گفت‌وگوهای دردناک و خشونت‌بار میان این زنان و پیرمرد می‌نشانده. به‌تدریج از میان این زخم‌ها عناصری که گذشته خانواده هویدا می‌شود؛ ملامت‌ها، خاطرات و چهره راز آلود همسر پزشک که در شرایطی وحشتناک مرده‌است «ساری سبز» را یکی از عرب‌ان‌ترین روایت‌ها؛ خشونت خانگی می‌دانند، شاید از آن رو که اینجا خود آزارگر است که قصه را پیش می‌برد. خواندن این اثر به دلیل توصیف خشونت‌های خانگی (جسمی و روحی) و نیز وضعیت راوی کاری بس دشوار است و برای افراد زیر ۱۸ سال چندان مناسب نیست. ساری سبز روایتی است از زندگی پزیشکی سالخورده و در حال احتضار که دختر و نواش در خانه‌ای در جزیره موریس از او مراقبت می‌کنند. گفت‌وگویی در نهایت خشونت بین او که راوی داستان است و دختر و نواش شکل می‌گیرد که باعث یادآوری خاطرات گذشته و آشکار شدن راز مرگ همسر راوی می‌شود. دوی بابت این رمان در سال ۲۰۱۰، جایزه «شوالیه هنر و ادبیات» را دریافت کرد. دوی در عین‌حال وضعیت زن را در جامعه خشن و پدر سالار به تصویر می‌کشد تا اشاره‌ای به کاستی‌های اجتماعی داشته باشد. زندگی سه نسل از زنان خانواده یک پزشک حاذق ولی خشن خو و آزارگر نشان می‌دهد که حتی در طبقات اجتماعی تحصیل کرده نیز این خشونت‌ها رخ می‌دهد. در واقع برخلاف باور عمومی تنها فقر اقتصادی و فرهنگی نیست که بستری برای خشونت علیه زنان فراهم می‌کند. آناندا دوی، زاده ۱۹۵۷، نویسنده زن اهل جزیره موریس، هندی الاصل و فرانسوی زبان است. او دکتری انسان‌شناسی از مدرسه عالی سواز (soas) لندن دارد و اکنون ساکن فرانسه است. دوی تاکنون بیش از ۲۰ رمان و مجموعه داستان نوشته و از سال ۲۰۰۱ ناشر آثار او گالیلمار است. رمان «ساری سبز» به موضوع زندگی سه نسل از زنان در موریس



یکشنبه

۱۴۰۱/۰۸/۱۵

۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴/ ۰۶ نوامبر ۲۰۲۲



آرمان ملی – هادی حسینی‌نژاد: صرف نظر از عرب‌زبان‌هایی که در اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند، جهان عرب با ۲۲کشور، بیش از ۴۰۰میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند و طبیعتاً این پشتوانه عظیم، بستر مناسبی را برای تکثیر آثار ادبی نویسندگان عرب فراهم می‌آورد. گذشته از این، قربایت‌های فرهنگی موجب شده این آثار، مخاطبان زیادی در کشورهای منطقه، از جمله ایران داشته‌باشند؛ قربایت‌هایی که اگر به آنها توجه‌شود، می‌تواند بازار قابل توجهی برای آثار ایرانی در کشورهای عرب زبان را نیز فراهم آورد. در این راستا، گفت‌وگویی داشته‌ایم با کریم اسدی اصل که سال‌هاست آثار داستانی متعددی را از عربی به فارسی برگردانده و تعامل خوبی با برخی نویسندگان عرب زبان دارد.

◀ در سال‌های اخیر، ترجمه چند اثر داستانی از ادبیات عرب را تجربه کرده‌اید که یکی از آنها، برنده بوکر عربی هم شد. کمی درباره این عناوین و البته پیشینه مترجمی خود توضیح دهید.

من ترجمه را از بیست‌واندی سال پیش و زمانی که دانشجوی فلسفه بودم آغاز کردم و بعد از آنکه روزنامه‌نگار شدم به عنوان خبرنگار مترجم فعالیت کردم و هنوز هم به این کار مشغولم. در همان زمان نیز ترجمه کتاب را شروع کردم اما کمی طول کشید تا توانستم راه انتشار کتاب را پیدا کنم. حدود ۱۵ سال پیش موفق شدم با اولین ناشر (بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه)، ارتباط برقرار کنم و مجموعه‌ای ۱۰ جلدی برای کودکان و نوجوانان تحت عنوان «مشاهیر جهان» که ناپلئون، کلئوپاترا، فلورانس نایتینگل، هیتلر، نلسون و... ترجمه کردم که این مجموعه در سال ۱۳۹۰ منتشر شد. پس از آن رمان «مرگ آن را تلخ می‌نوشد» به‌قلم نویسنده مصری «وجدی الکومی» از ترجمه و منتشر کردم. این کتاب اردیبهشت سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات افکار منتشر شد. در پی آن، رمان‌های «حضرت والا» اثر نجیب محفوظ، نویسنده مصری برنده جایزه نوبل ادبی در سال ۱۳۹۴ (توسط انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه)، رمان «خر حکیم» اثر توفیق الحکیم، نویسنده مصری در سال ۱۳۹۵ (توسط انتشارات آوای کلار)، نمایشنامه «خرها» اثر توفیق الحکیم در بهار سال ۱۳۹۶ (توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه)، رمان «تکه پاره‌های من» اثر انعام کجه جی، نویسنده عراقی در سال ۱۳۹۷ (توسط نشر مروارید، رمان پرفروش و جذاب «کیمیا؛ دختر مولانا» اثر ولید علاء الدین، نویسنده مصری در سال گذشته، رمان «دفتر چه‌های کانفیروش» اثر جلال برجس، نویسنده اردنی و رمان «حباب سیاه» اثر حجی جابر، نویسنده اردن‌ای را ترجمه و منتشر کردم که هر سه رمان توسط انتشارات مروارید منتشر شد. رمان‌ها و کتاب‌های دیگری نیز ترجمه کرده‌ام مانند کتاب تاریخی «کربلا در آرشيو عثمانی» اثر ديلک قاي‌ا که هنوز منتشر نشده‌اند. همچنین خودم کتابی با بن مایه طنز نوشته و منتشر کرده‌ام تحت عنوان: «در نوشته‌های یک روزنامه‌نگار نگون‌بخت» که شامل مجموعه داستانتک و یادداشت‌های من با رویکرد طنزآمیز می‌شود.

◀ رمان «دفتر چه‌های کانفیروش» داستان جذاب و مدرنی دارد و چه بسا بتوان سویه‌های پست‌مدرنیستی را هم در آن جست‌وجو کرد. چه شد که این اثر را پیش می‌شود.

◀ رمان «دفتر چه‌های کانفیروش» داستان جذاب و مدرنی دارد و چه بسا بتوان سویه‌های پست‌مدرنیستی را هم در آن جست‌وجو کرد. چه شد که این اثر را پیش می‌شود.



نیز توضیح دهید.

رمان «حباب سیاه» اثر «حجی جابر» نویسنده اهل کشور اریتره که در قطر زندگی می‌کند، برنده معروف ترین جایزه ادبی در قطر یعنی «کتارا» در سال ۲۰۱۹ و نامزد جایزه ادبی بوکر عربی در همین سال شده بود. حباب سیاه درد و رنج انسان‌هایی را به تصویر می‌کشد که از جنگ و خشونت و مرگ فرار کرده و در جست‌وجوی مکان و پناهی امن، آواره کشورهای مختلف می‌شوند. داستان انسانی است که در جهان سرگردان و آواره است؛ انسانی که برای فرار از جنگ، فقر وحشتناک، مرگ، سربازی اجباری و شکنجه در زندگی‌ای که شبیه بردگی است، از کشورش فرار می‌کند. فرار برای او به مثابه نجات است. او همیشه در حال فرار و به دنبال نجات است. حباب سیاه جدای از زیبایی، ساختار قوی، روان بودن و عمق فرهنگی‌اش باعث می‌شود که خواننده با خواندن آن با پنهان‌گان احساس همدردی و همدلی عمیقی بکند و حتی انگیزه‌ها و کارهای غیرقانونی‌شان برای نجات را درک کند. قهرمان رمان حباب سیاه مجبور است برای نجات خود، مدام هویتش به‌ویژه نامش و حتی دین خود را تغییر دهد تا شاید بتواند به ساحل آرامش و امن برسد. این رمان حکایت غم‌انگیز آوارگان و پنهان‌گان جهان است که مجبور می‌شوند بنابه هر دلیلی از جمله جنگ، فقر و فشار کشور خود را ترک کرده و آواره کوه و بیابان شوند و باقی قضایا.

◀ به عنوان یک مترجم، جایگاه کنونی ادبیات عرب را چگونه ترسیم می‌کنید؟

نویسندگان عرب از سال‌ها پیش راه خود را در عرصه بین‌المللی باز کرده بودند و ما شاهد رخ‌خشن آنها بودیم و هستیم. نویسندگان و شاعران عرب تاکنون موفق شده‌اند جایزه‌های زیادی را در جهان غرب از آن خود کنند. بهترین نمونه در این عرصه نجیب محفوظ نویسنده مشهور مصری است که موفق شد برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۸ شود. از آنجا که ۲۲ کشور عربی وجود دارد، دست نویسندگان باز است و حتی اگر در کشور خودشان محدودیت‌ب و متوعیعی برایشان به وجود بیاید و نتوانند کتاب‌های خود را منتشر کنند، به‌راحتی هر چه تمام‌تر می‌توانند کتاب‌های خود را در یکی از این کشورها منتشر کنند. نویسندگان عرب این شانس را دارند که از تیغ سانسور در امان بمانند و این باعث می‌شود که دست‌شان برای نوشتن در همه عرصه‌ها باز باشد. آنها ارتباط خوبی با جهان به ویژه جهان غرب دارند و بیشتر رمان‌های مشهور در جهان عرب به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و نیز سوئدی ترجمه و منتشر می‌شوند. به همین دلیل هر از چند گاهی می‌بینیم که یکی از نویسندگان یا شاعران عرب یک جایزه ادبی را در یکی از کشورهای غربی از آن خود کرده است. بهمانند که بسیاری از رمان‌های مشهور جهان از همه زبان‌ها به عربی ترجمه و منتشر می‌شود. همچنین جایزه‌های متعددی در کشورهای عربی داریم که مشهورترین آنها «بوکر عربی» است که امارات آن را برگزار می‌کند و هر نویسنده‌ای که برنده شود، این شانس را پیدا می‌کند که علاوه بر دریافت مبلغی قابل توجه، کتابش به زبان‌های مختلف ترجمه شود. این بهمانند که میان خود کشورهای عربی بر سر برگزاری و دادن جایزه ادبی رقابت وجود دارد و این خود باعث رونق ادبیات به ویژه باعث به وجود آمدن انگیزه‌ای برای نویسندگان جوان شده است. از سوی دیگر برخی از نویسندگان عرب ساکن کشورهای غربی هستند و کتاب‌های خود را علاوه بر اینکه در آنجا منتشر می‌کنند، در جهان عرب نیز به چاپ می‌رسانند.

◀ به نظر شما چه فاکتورهایی باعث می‌شود مخاطب ایرانی با آثار عربی، ارتباط بگیرد و به خواندنشان جذب شوند؟

از آنجا که ما با بسیاری از کشورهای عربی به لحاظ فرهنگی، تاریخی، دینی و حتی جغرافیایی قربایت‌های زیادی داریم، طبیعی است که دغدغه و مشکلات و به عبارتی بهتر؛ درد مشترک داشته باشیم. دغدغه‌های بسیاری از مردم جهان که از یک نویسنده عرب در ایران ترجمه می‌شود، مخاطب با آن به‌راحتی ارتباط برقرار می‌کند. هر چند از آنجا که بیشتر ترجمه تا مدت‌های مدیدی از جهان غرب صورت گرفته و بعضاً برخی منتقدان و نویسندگان ما حتی در حال حاضر

به دلیل اطلاعات اندکی که از ادبیات داستانی عرب دارند، معرفی بدی از ادبیات داستانی عرب به مخاطبان پرشمار خود ارائه می‌کنند، تمایل مخاطبان بیشتر به نویسندگان غربی بوده است، اما با توجه به زحمات زیاد بزرگان ترجمه عربی به فارسی در گذشته و نیز همقطارانم طی سال‌های اخیر، تعداد کتاب‌هایی که از نویسندگان عرب به فارسی ترجمه شده، به ویژه طی ۱۵ – ۱۰ سال اخیر بسیار زیاد شده و مخاطب بی‌توجه به سخنان برخی منتقدان و نویسندگان، به ادبیات داستانی روی خوش نشان داده و می‌بینیم احیاناً از یک رمان، سه ترجمه بیرون می‌آید و خوشبختانه بسیاری از ترجمه‌ها نیز به چاپ‌های متعدد می‌رسد. شما در بسیاری موارد وقتی یک رمان ترجمه‌شده از نویسند‌ای عرب را می‌خوانید، تصور می‌کنید که انگار حوادث آن در ایران رخ داده است یا گویی برای مخاطب ایرانی نوشته شده است. این رانیز بگویم که بسیاری از نویسندگان عرب تمایل زیادی دارند که رمان‌های آنها در ایران ترجمه و منتشر شود، زیرا آنها به خوبی می‌دانند که در ایران کتاب خوانده و دیده می‌شود.

◀ فکری می‌کنید عکس این جریان نیز جواب بدهد؟

بسیاری از آثار بزرگان ادبیات کشورمان در جهان عرب ترجمه شده‌اند و مورد استقبال قرار گرفته‌اند. به‌طور مثال کتاب «دایی جان ناپلئون» که توسط احمد حیدری مجد، مترجم فارسی به عربی ترجمه شد، مورد استقبال خوبی قرار گرفت و به چاپ‌های متعدد رسید و هنوز هم تجدید چاپ می‌شود. آثار صادق هدایت (تقریباً آثار نویسندگان جوان ایرانی توسط مترجمان نظیر آقای حیدری به عربی ترجمه شده و در جهان عرب منتشر شده‌اند. مترجمان ایرانی و غیر ایرانی دیگری نیز از نویسندگان ایرانی کتاب‌های زیادی را به عربی ترجمه کرده‌اند. نکته جالب اینکه در روزنامه‌ها و سایت‌های عربی بیشتر داستان‌های کوتاه فارسی به عربی ترجمه و منتشر می‌شوند اما ناشرها بیشتر تمایل دارند که رمان‌های ایرانی را منتشر کنند. در عرصه ادبیات کلاسیک که باید گفت تقریباً همه کتاب‌های فارسی را به عربی ترجمه و منتشر کرده‌اند. آثار نویسندگان ما با جهان عرب داریم، مورد استقبال واقع شده‌اند. این نشان می‌دهد جهان عرب تشنه آثار نویسندگان ایرانی است. هر چند باید اذعان کرد که شوربختانه از مترجمان ایرانی فارسی به عربی هیچ گونه حمایتی نمی‌شود و این مترجمان با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. اما این مترجمان به‌خاطر عشق و علاقه‌ای که به این کار دارند آثار فارسی را به عربی ترجمه می‌کنند. این مترجمان برای انتشار کتاب‌های خود در برخی موارد با مشکلات مواجه هستند که ما مترجم‌های عربی به فارسی این مشکلات را نداریم؛ به‌طور مثال ما به ناشرها راحت‌تر دسترسی داریم اما آنها نه.

◀ درباره ترجمه «کیمیا؛ دختر مولانا» بگویید. گویا ترجمه شما، همچنان در حال تجدید چاپ است.

رمان «کیمیا؛ دختر مولانا» گل سرسید کتاب‌هایی است که در این بیست و اندی سال ترجمه کرده‌ام. رمانی که ترجمه‌اش مرا به‌شدت به زحمت انداخت؛ چون رمانی بود که به دلیل موضوع خود نویسنده از حساسیت موضوع برای ما ایرانی‌ها خبر داشته به همین دلیل تلاش کرده است که از منابع زیادی برای نوشتن آن استفاده کند. به جرأت می‌توان گفت که نوشتن کتاب درباره مولانا یا خاندان و دوستان و یاران او بازی با دم شیر است ولی ولید علاء الدین، نویسنده مصری کتابش را خوب از آب درآورده و روسفید شده است. می‌دانید که هر کتابی که به نحوی از انحا به مولوی مرتبط می‌شود کاملاً به چشم می‌آید، خوانده می‌شود، نقد می‌شود و در برخی موارد دیده شده است که نویسنده آن حتی اگر رمان باشد مورد حمله شدید و بی‌رحمانه‌ای قرار می‌گیرد. خوشبختانه رمان کیمیا؛ دختر مولانا بعد از چاپ نخستین در تیرماه ۱۴۰۰ با وجود مشکلات فراوانی که صنعت نشر و حوزه کتاب با آن دست به گریبان است، موفق شده است به چهار چاپ برسد و امیدوار هستم که به زودی – احتمالاً پاییز جاری – و به

لطف علاقه‌مندان به کتاب به چاپ پنجم نیز برسد. با توجه به استقبال گسترده مخاطبان از رمان کیمیا؛ دختر مولانا چاپ چهارم آن در هزار و صد نسخه منتشر شد. جا دارد در اینجا بگویم که رمان کیمیا؛ دختر مولانا خستگی را از تنم به‌د کرد. همچنین بی‌تردید چاپ‌های متعدد یک کتاب چه ترجمه و چه تألیف صاحب اثر را به ادامه کار کتاب‌امیدوار می‌کند. این رمان از زاویه‌ای کاملاً متفاوت به کیمیا، دختر خوانده مولانا که اطلاعات اندکی درباره وی وجود دارد می‌پردازد؛ از زاویه‌ای متفاوت با رمان‌هایی که تاکنون در ایران نوشته یا ترجمه شده‌اند. ولید علاء‌الدین برای نوشتن پژوهشی برای یک موسسه فرهنگی به مناسبت هشتمین سده مولانا؛ دبی به ترکیه سفر می‌کند. برایش بین خواب و بیداری می‌افتاده در این سفر و در ترکیه نیز در زمان جست‌وجو برای یافتن اثری از کیمیا در حافظه مردمی و نیز جست‌وجو برای یافتن قبرش اتفاقاتی برایش بین خواب و بیداری می‌افتد. داستان کتاب بین تخیل و واقعیت در شهر رفت و آمد است. برای قهرمان داستان در شهر قونیه و در نزدیکی مقبره مولانا و حتی در «آق شهر» شهر «ملا نصرالدین» که در فرهنگ عربی مشهور به «جحا» است اتفاقی می‌افتد که متوجه نمی‌شود در خواب برای او افتاده یا واقعیت. به عبارتی این رمان تلفیقی از واقعیت و خواب است. قهرمان داستان ابتدا از استانبول به قونیه سفر می‌کند و طی مسیر هم برایش اتفاقاتی جالب رخ می‌دهد. ولی بیشتر داستان حول و حوش کیمیا دختر مولانی است که تلاش زیاد قهرمان برای بیرون کشیدن چیزی درباره کیمیاست. آخر سر هم بدون آنکه چیزی از کیمیا پیدا کند همان‌طور که به ترکیه با هواپیما آمده بود با هواپیما به دبی برمی‌گردد... رمان کیمیا کاری که به‌د کرد و به محاسبات خود بازنگری کرده و درباره مسائل زیادی که با جلال‌الدین مرتبط است و درباره او مطرح می‌شود، به تفکر دوباره ببرد.

◀ در حال حاضر مشغول ترجمه یا انتشار اثر تازه‌ای هستید؟ برنامه‌تان برای آینده چیست؟

جدیدترین رمانی که ترجمه کرده‌ام «فعی‌های آتش» اثر دیگر جلال برجس است که در سال ۲۰۱۵ موفق شد معروف‌ترین جایزه ادبی قطر یعنی «کتارا» را از آن خود کند و تاکنون در جهان عرب به چاپ‌های متعدد رسیده و به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی ترجمه شده است. در این رمان، برجس به موضوع‌های تئوریسم و افراط‌گرایی که همچنان انسانیت را تهدید می‌کند، می‌پردازد. نویسنده کتاب این موضوع‌ها را به‌واسطه داستان معلمی می‌پردازد که از اردن به فرانسه فرار کرد و در آنجا تحصیلاتش را ادامه داده و استاد فلسفه در دانشگاه سوربن می‌شود. او کتابی می‌نویسد و به‌خاطر این کتاب با سرنوشتی فاجعه‌بار توسط گروه‌های تندرو در فرانسه مواجه می‌شود. رمان در دو خط موازی پیش می‌رود که یکی از آن داستان رمان‌نویسی است که رمان خود را از دست داده و به جست‌وجوی آن می‌رود و دومی داستان «علی بن محمود القصاد» استاد فلسفه عاشق است. جلال برجس که خود در جامعه‌ای به‌سر برده است که از مفاهیم افراط‌گرایی اجتماعی و دینی و تأثیرشان بر جامعه رنج برده، در رمانش به این مسائل و تأثیر خرافات بر جامعه عرب و سایه شوم این مفهوم اشتباه بر سبک زندگی روزانه مردم پرداخته است. همچنین وی به این مسائل در داستان شخصیت رمان (علی بن محمود القصاد) معلم به دختر بیابان‌نشین (بارعه) پرداخته است. اتفاقی‌های آتش در حال سیری کردن مراحل انتشار خود است و امیدوارم در پاییز جاری یا زمستان آتی چشم به جهان بکنم. با وجود آنکه کار فرهنگی به ویژه کار کتاب در شرایط کنونی مملکت به ویژه سایه شرایط سخت اقتصادی تقریباً می‌شود گفت که شق القمر است؛ زیرا به لحاظ مالی برای مترجم هرگز به صرفه نیست که ماه‌ها بنشینند و کتابی را ترجمه کنند که آخر به اندازه چند کیلو برنج هم دستش را نمی‌گیرد؛ اما به‌خاطر عشق و علاقه‌ای که به این کار دارم و اینکه تنها چیزی که این روزها به من آرامش می‌دهد کتاب است، به ترجمه و نوشتن ادامه می‌دهم.

